

## موعظه در بیستمین یکشنبه پس از عید تثلیث مقدس، سال ۲۰۲۶، در براونشوایگ

فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و از جانب خداوند ما عیسی مسیح با شما باد. آمین.

کلام خدا برای موعظه امروز، در انجیل مرقس، باب دوم (مرقس ۲: ۲۳-۲۸) آمده است:

و چنین واقع شد که عیسی در روز سَبَّت از میان مزارع غلّه عبور می‌کرد و شاگردانش در  
حین راه رفتن شروع کردند به چیدن خوشه های گندم. فَرِیسیان به او گفتند: «نگاه کن! چرا  
شاگردان تو در روز سَبَّت کاری می‌کنند که جایز نیست؟»

عیسی به آنان گفت: «آیا هرگز نخوانده‌اید که داوود هنگامی که نیازمند شد و گرسنه ماند، خود  
و همراهانش چه کردند؟ چگونه در زمان آبیاتار، کاهن اعظم، به خانه خدا رفت و نان های  
تقدیمی را خورد؛ نان هایی که هیچ کس جز کاهنان اجازه خوردن آن ها را نداشت، و از آن ها  
به همراهان خود نیز داد؟»

سپس به آنان گفت: «روز سَبَّت برای انسان مقرر شده است، نه انسان برای روز سَبَّت.  
بنابراین، پسر انسان حتی بر روز سَبَّت نیز خداوند است.»

دعا می‌کنیم:

ای خداوند، ما را در حقیقت خود تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است. آمین.

برادران و خواهران عزیز، شما که به واسطه پسر داوود، یعنی عیسی مسیح، رهایی یافته‌اید،  
احکام خدا چه نقشی در زندگی ما دارند؟ موضوع قرائت ها و متون کتاب مقدس در امروز،  
یعنی بیستمین یکشنبه پس از عید تثلیث مقدس، و همچنین موضوع متن موعظه ما همین مسئله  
است.

اکنون این بخش را قسمت به قسمت بررسی کنیم:

«و چنین واقع شد که عیسی در روز سَبَّت از میان مزارع غلّه عبور می‌کرد و شاگردانش در  
حین راه رفتن شروع کردند به چیدن خوشه های گندم. فَرِیسیان به او گفتند: نگاه کن! چرا  
شاگردان تو در روز سَبَّت کاری می‌کنند که جایز نیست؟» (مرقس ۲: ۲۳-۲۴)

آیا فَرِیسیان حق دارند؟ آیا کاری که شاگردان در اینجا انجام می‌دهند، واقعاً ممنوع است؟

در ابتدا ممکن است تصور کنیم که در اینجا مسئله دزدی مطرح است. بالاخره، به احتمال زیاد مزارع غله ای که آنان از کنارشان عبور می‌کردند، متعلق به خودشان نبودند.

اما خداوند به صراحت می‌گوید که چیدن خوشه های گندم مجاز است. در کتاب تثنیه می‌خوانیم:

«چون به مزرعه همسایه خود داخل شوی، می‌توانی با دست خود خوشه ها را بچینی، اما نباید داس را به میان غله او ببری.»

(تثنیه ۲۳: ۲۵)

بنابراین، برداشتن مقدار متعادلی از محصول، به اندازه‌ای که انسان در همان لحظه نیاز دارد، مجاز است؛ اما برداشت منظم و گسترده از محصول دیگری، دزدی محسوب می‌شود.

پس به نظر می‌رسد که خود چیدن خوشه های گندم مشکل نبوده است، بلکه مسئله این بوده که شاگردان این کار را در روز سَبَّت انجام می‌دادند.

با این حال، خداوند هیچ جا چیدن خوشه های گندم را در روز سَبَّت ممنوع نکرده بود. در عوض، او به صراحت و با جدیت کار کردن در روز سَبَّت را ممنوع کرده بود.

در اینجا مسئله به یک پرسش درباره تعریف و تفسیر حکم تبدیل می‌شود:

آیا چیدن خوشه‌های گندم نوعی کار کردن محسوب می‌شود؟

خداوند هیچ جا چنین چیزی نگفته است. اما فریسیان می‌خواستند کاملاً مطمئن باشند که ممنوعیت کار در روز سَبَّت را رعایت می‌کنند. به همین دلیل، خودشان حکم دیگری وضع کردند: «در روز سَبَّت نباید خوشه‌های گندم را بچینی.»

عیسی بارها و بارها دقیقاً به همین دلیل از آنان انتقاد می‌کرد. آنان احکام خودشان را وضع می‌کردند و آن‌ها را هم ارز احکام خدا قرار می‌دادند.

با این کار، خود را برتر می‌شمردند و از حد خود فراتر می‌رفتند. همچنین زندگی را سخت تر از آن چیزی می‌کردند که خدا در نظر گرفته بود.

عیسی در اینجا به ما می‌آموزد که باید به آنچه واقعاً از سوی خدا فرمان داده شده است، توجه کنیم.

گاهی انسان‌ها ادعا می‌کنند که چیزی ممنوع است، درحالی که اصلاً ممنوع نیست. از سوی دیگر، برخی ادعا می‌کنند که کاری مجاز است، درحالی که خداوند در حقیقت آن را مجاز ندانسته است.

پس در میان این همه صداها، دیدگاه‌ها و نظرات گوناگون، چگونه می‌توانیم به روشنی و یقین برسیم؟

**کلام خدا، یعنی کتاب مقدس، تنها معیار و ملاک ماست.**

اکنون به ادامه متن می‌پردازیم:

«عیسی به آنان گفت: آیا هرگز نخوانده‌اید که داوود هنگامی که نیازمند شد و گرسنه ماند، خود و همراهانش چه کردند؟ چگونه در زمان آبیاتار، کاهن اعظم، به خانه خدا رفت و نان‌های تقدیمی را خورد؛ نان‌هایی که هیچ کس جز کاهنان اجازه خوردن آن‌ها را نداشت، و از آن‌ها به همراهان خود نیز داد؟»

(مرقس ۲: ۲۵-۲۶)

فریسیان در این موضوع تردیدی نداشتند که داوود الگویی بزرگ برای ایمان بوده است. به همین دلیل، عیسی در اینجا او را به‌عنوان نمونه و مثال مطرح می‌کند.

و این نکته جالبی است.

داوود در حال فرار از شائول بود و به تنهایی به شهر نوب نزد کاهن رفت. گروه کوچکی از همراهان او در جایی در همان نزدیکی پنهان شده بودند.

وقتی کاهن دید که داوود در چنین خطر بزرگی به تنهایی آمده است، وحشت زده شد.

داوود از او نان درخواست کرد. اما در آنجا نان معمولی وجود نداشت؛ تنها نان مقدس موجود بود، نان‌هایی که به عنوان نان‌های تقدیمی بر روی میز طلایی در عبادتگاه قرار داده می‌شدند و فقط کاهنان اجازه داشتند آن‌ها را بخورند.

این واقعاً یکی از احکام خدا بود. با این حال، کاهن در آن وضعیت اضطراری استثنایی قائل شد و از نان‌های تقدیمی به داوود و همراهانش داد.

بنابراین، داوود حتی یک گام فراتر از شاگردان عیسی می‌رود. شاگردان کاری انجام دادند که اساساً ممنوع نبود؛ اما داوود کاری انجام داد که از پیش ممنوع بود. با این حال، او به خاطر رفتارش مجازات نشد.

عیسی در اینجا به ما می‌آموزد: در شرایط اضطراری، هنگامی که مسئله مرگ و زندگی در میان است، ما نیز می‌توانیم مانند داوود از احکام خدا تخطی کنیم.

البته نباید از این موضوع به‌عنوان مجوزی برای انجام هر کاری استفاده کنیم. اما برای مثال، هنگامی که لازم است افرادی را که تحت تعقیب و آزار هستند از مرگ نجات دهیم، در چنین

شرایط اضطراری اجازه داریم حتی دروغ بگوییم؛ کاری که در حالت عادی، طبق فرمان هشتم خدا، به شدت ممنوع است. به چنین دروغی که در شرایط اضطراری و برای نجات جان انسان گفته می‌شود، «دروغ اضطراری» می‌گویند.

اما اشاره عیسی به داوود معنای عمیق تری نیز دارد.

یهودیان در زمان عیسی، داوود را شخصیتی می‌دانستند که با آمدن او نجات و رهایی حاصل می‌شود. آنان در انتظار قهرمانی مانند داوود بودند؛ کسی که در مقام پادشاه بر دشمنان اسرائیل پیروز شده بود. آنان آرزو داشتند مردی از جانب خدا، مانند داوود، رهبری قوم تحت ستمشان را بر عهده بگیرد.

عیسی در اینجا میان خود و داوود شباهتی برقرار می‌کند.

در آن زمان، داوود نیز همراه گروه کوچکی از افراد در سفر بود که گرسنه شده بودند. به همین دلیل بود که او از کاهن درخواست نان کرد.

اکنون عیسی نیز همراه گروه کوچکی از افراد در حرکت است که گرسنه شده‌اند و به همین دلیل شروع به چیدن خوشه‌های گندم کرده‌اند.

یک نفر به همراه گروه کوچکی از مردم می‌تواند تمام جهان را تغییر دهد. در آن زمان، این اتفاق با داوود رخ داده بود. اکنون نیز قرار بود چنین اتفاقی به واسطه عیسی رخ دهد، البته به شیوه‌ای کاملاً متفاوت و در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر.

اکنون به بخش پایانی متن می‌رسیم:

«عیسی به آنان گفت: روز سَبَّت برای انسان مقرر شده است، نه انسان برای روز سَبَّت. بنابراین، پسر انسان حتی بر روز سَبَّت نیز خداوند است.»

(مرقس ۲: ۲۷-۲۸)

احکام خدا چه نقشی در زندگی ما دارند؟

تا اینجا به دو نکته پی برده‌ایم:

نخست، بر اساس کلام خدا باید به روشنی میان آنچه واقعاً حکم خداست و آنچه حکم خدا نیست، بلکه حکم انسان هاست، تفاوت قائل شویم.

دوم، در شرایط اضطراری شدید و هنگامی که جان انسان در خطر است، ممکن است اجازه داشته باشیم از برخی احکام تخطی کنیم.

اکنون عیسی دو اصل اساسی دیگر درباره احکام خدا بیان می‌کند. در اینجا حکم روز سَبَّت نماینده همه احکام خداست.

«روز سَبَّت برای انسان مقرر شده است، نه انسان برای روز سَبَّت.»

از این سخن می‌توان نتیجه گرفت که خدا احکام خود را برای ما انسان‌ها و به‌منظور خیر و صلاح ما مقرر کرده است؛ نه اینکه انسان‌ها را برای احکام خود آفریده باشد.

به بیان دیگر، خدا احکامش را برای ما انسان‌ها قرار داده است، نه در برابر ما و برای دشوار کردن زندگی مان.

خدا روز سَبَّت را این گونه در نظر نگرفت که ابتدا آن را مقرر کند و سپس با خود بگوید:

«حالا به کسی نیاز دارم که این روز سَبَّت را نیز رعایت کند؛ پس بهتر است انسان‌ها را بیافرینم.»

خیر، چنین نبود!

خدا انسان را در نظر گرفت و او را آفرید. سپس درباره نیازهای انسان اندیشید و چنین مقرر کرد:

«انسان پس از کار کردن به زمانی برای استراحت نیاز دارد. انسان به وقت و آرامش نیاز دارد تا بتواند کلام مرا بشنود.»

خدا روز سَبَّت را به انسان‌ها نداد تا زندگی را برای آنان طاقت فرسا کند. او این روز را مقرر نکرد تا چیدن خوشه‌های گندم در آن ممنوع باشد. خیر، خدا روز سَبَّت را برای انسان قرار داد.

در فرمان سوم، خدا روزی هفتگی را برای استراحت و عبادت مقرر می‌کند.

اگر به ده فرمان در کتاب‌های خروج و تثئیه، یعنی کتاب دوم و پنجم موسی، نگاه کنیم، می‌بینیم که خدا این فرمان‌ها را بسیار مفصل‌تر از آنچه در «تعلیم نامه کوچک» آمده است، توضیح داده است.

بیایید به این بخش از کلام خدا گوش دهیم.

در کتاب خروج می‌خوانیم:

«روز سَبَّت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار. شش روز کار کن و همه کارهای خود را انجام بده. اما روز هفتم، سَبَّتِ خداوند، خدای توست. در آن روز هیچ کاری انجام نده...»

زیرا خداوند در شش روز آسمان و زمین و دریا و هرآنچه را که در آنهاست آفرید و در روز هفتم آرام گرفت. از این رو، خداوند روز سَبْت را برکت داد و آن را مقدس ساخت.» (خروج ۲۰: ۸-۱۱)

و در کتاب تثنیه، همین فرمان را می‌خوانیم، اما در آنجا دلیل دیگری نیز به آن افزوده شده است:

«زیرا باید به یاد داشته باشی که در سرزمین مصر برده بودی و خداوند، خدای تو، تو را با دست نیرومند و بازوی افراشته خود از آنجا بیرون آورد. بنابراین، خداوند، خدای تو، به تو فرمان داد که روز سَبْت را نگاه داری.»

(تثنیه ۵: ۱۵)

خدا روز سَبْت را مقرر کرد تا قومش زمانی برای اندیشیدن و فرصتی برای به یاد آوردن داشته باشند.

آنان باید آفرینش جهان و رهایی از مصر را به یاد می‌آوردند. باید به کارهای بزرگ خداوند فکر می‌کردند و او را شکر می‌گفتند.

و امروز نیز این موضوع برای ما صدق می‌کند.

ما دیگر روز سَبْت، یعنی شنبه، را به عنوان روز استراحت و عبادت نداریم، بلکه معمولاً یکشنبه را به این منظور اختصاص می‌دهیم؛ زیرا عیسی در این روز از میان مردگان برخاست.

ما معمولاً یکشنبه‌ها از کارهای روزمره خود آزاد هستیم و می‌توانیم به کلیسا برویم.

در کلیسا، از طریق قرائت های کتاب مقدس و موعظه، درباره کارهای بزرگ خداوند می‌شنویم.

ما اعتقادنامه مسیحی را بیان می‌کنیم و از این طریق، آفرینش خدا و رهایی خود به واسطه عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم:

«من به خدا، پدر قادر مطلق، آفریننده آسمان و زمین، ایمان دارم... و به عیسی مسیح، پسر یگانه خداوند، خداوند ما، ایمان دارم...»

فرمان سوم برای ما انسان‌هاست.

منظور خدا این است که ما به چنین چیزی نیاز داریم: هفته ای یک بار از فعالیت‌های روزمره دست بکشیم، عطایای خداوند را دریافت کنیم و آفرینش و رهایی خود را به یاد آوریم.

در آخرین آیه از متن امروز، عیسی خود را خداوندِ روز سَبَّت معرفی می‌کند. بدین ترتیب، او برای خود جایگاهی الهی قائل می‌شود؛ زیرا خداوند، صاحب و سرور روز سَبَّت است. درواقع، این خدا بود که فرمان سوم را مقرر کرد. اکنون عیسی می‌گوید: «من خود، خداوند احکام هستم.»

آری، با آمدن عیسی، خداوندی که خود احکام را مقرر کرده بود، به زمین آمد. و با این اتفاق، بسیاری از چیزها تغییر کرد.

البته ساده انگارانه خواهد بود اگر بگوییم عیسی قوانین خدا را آسان تر و سهل گیرانه تر کرد. موضوع این گونه نیست. اگر به موعظه عیسی بر فراز کوه نگاه کنیم و ببینیم او درباره احکام چه می‌گوید، گاهی سخنانش بیشتر این گونه به نظر می‌رسند که او احکام را سخت گیرانه تر کرده است. زیرا برای عیسی تنها اطاعت ظاهری اهمیت ندارد، بلکه قلب انسان نیز اهمیت دارد.

با این حال، عیسی درواقع بسیاری از احکامی را که به قوم اسرائیل داده شده بود، لغو کرد. آن احکام دیگر اعتبار ندارند؛ زیرا فقط برای دوران پیش از آمدن عیسی مقرر شده بودند.

دیگر ممنوعیتی برای کار کردن در روز شنبه وجود ندارد.

عیسی بسیاری از مراسم و مناسک مذهبی را به کمال رساند؛ برای مثال، تمام احکام مربوط به قربانی‌ها را به انجام رساند. او همچنین برخی احکام جدید را مقرر کرد؛ برای مثال، فرمان تعمید دادن و برگزاری آیین شام خداوند.

اما با وجود این، عهد عتیق، با بسیاری از قوانین آیینی و حکومتی که دیگر اعتبار ندارند، همچنان بخشی از کتاب مقدس ماست.

چرا؟

زیرا این احکام در عیسی به کمال رسیده‌اند. آن‌ها به عیسی اشاره می‌کنند و در معنایی عمیق تر و روحانی، ما را به سوی او هدایت می‌کنند.

او قربانی ای است برای گناهان تمام جهان. بنابراین، هر یک از احکام مربوط به قربانی‌ها در عهد عتیق، به او اشاره دارد.

و اما روز سَبَّت چه می‌شود؟

عیسی این حکم را نیز به کمال رساند.

او برای ما چنان کار کرد که گویی تا پای مرگ تلاش می‌کند. او با پستی خمیده، درحالی که صلیب را بر دوش می‌کشید، رنج کشید و سختی فراوان تحمل کرد.

او در روز جمعه نیک، هنگامی که بر تپه جَلجتا جان سپرد، ما را رهایی بخشید.

و سپس چه اتفاقی افتاد؟

آرامش و استراحت روز سَبَّتِ او فرا رسید.

او در روز هفتم از کارهای خود دست کشید و آرام گرفت؛ همان‌گونه که خداوند در آغاز، پس از آفرینش جهان، آرام گرفته بود.

آری، سرانجام عیسی آفرینشی نو را نیز به ارمغان آورده بود. از این‌رو، در روز پس از استراحت سَبَّتِ خود، یعنی صبح یکشنبه، پیروزمندانه از قبر برخاست.

بدین ترتیب، او جهان را به شکلی بسیار بنیادی تر از داوود یا هر شخص دیگری دگرگون ساخت.

هَلَلویا! آمین.

اکنون با کلمات قدیس آگوستین دعا می‌کنیم:

«ای خداوند، تو ما را برای خود آفریده‌ای، و دل ما ناآرام است تا زمانی که در تو آرام گیرد. آمین.»

و سلامتی خدا، که برتر از هر فهم و خرد انسانی است، دل‌ها و اندیشه‌های شما را در مسیح عیسی برای زندگی جاودان محفوظ بدارد.

آمین.